

شهرهای تاریخی و دشت مغان

نویسنده

میرنبی عزیززاده

فصل اول

آشنایی با جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی دشت مغان

موقعیت و حدود

دشت مغان سرزمین وسیعی است در شمال شرقی آذربایجان و جنوب غربی دریای خزر که بر روی مدار ۳۹/۲۵ و ۳۹/۴۲ عرض شمالی و ۴۷/۲۵ و ۴۸/۲۵ طول شرقی نصف النهار گرینویچ واقع شده است.

وسعت این سرزمین در ادوار تاریخی گذشته، بسیار وسیع تر از موقعیت فعلی آن بوده است. به طوری که از شمال با ولایت آران و شیروان (مرز حدود ۳۰۰ کیلومتر) در طول مسیر رودخانه ارس و کر (کورا) هم مرز بوده است. در شرق از مصب رود کورا تا موضع قیزیل آغاج در شمال ولایت طالش (به طول حدود ۱۰۰ کیلومتر) دریای خزر مرز طبیعی آن را تشکیل می داد. در جنوب و جنوب شرقی ولایت گیلان و اردبیل از طریق رود قراسو و کوه های ارشق (به طول حدود ۲۰۰ کیلومتر) همسایگان این سرزمین شناخته می شدند. در غرب (حدود ۱۵۰ کیلومتر مسافت) به کوه های شرقی ارسباران محدود می شده و رودخانه دره رود مرز طبیعی آن بوده است.

این حدود و ثغور یک موقعیت استراتژیکی برای دشت مغان ایجاد کرده بود که در فصول بعدی این موضوع در مقاطع مختلف تاریخی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. همین موقعیت سبب شده بود که مغان در دوره قبل از اسلام یک اسپهبدنشین ایران همچون شاهنشین های آذربایجان و آلبانیا (آران) و گیلانشاه و ارمنستان شناخته شود. در دوره پس از اسلام نیز ولایتی بزرگ در ایالت آذربایجان بوده است. در این سرزمین وجود جلگه ای در حدود ۳۰۰ هزار هکتار و اراضی آبرفتی

ساحل دریای خزر و کناره‌های رودهای بزرگ ارس و کر، منطقه را در همه ادوار تاریخ به عنوان قطب کشاورزی و دامپروری ایران تبدیل کرده بود.

به موجب عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ ه.ق) و ترکمنچای (۱۲۴۳ ه.ق) بخش وسیعی از اراضی جلگه‌ای مغان در قسمت شمال و شرق و نواحی متصل به دریای خزر از قلمروی ایران منتزع و ضمیمه متصرفات روسیه گردید. از این تاریخ به بعد موقعیت و حدود مغان محدود به مرزهای کنونی گشت. از شمال به طریق رود ارس (حدود ۷۰ کیلومتر) و از شرق از خط مرزی روستای حسن خانلو- بيله سوار- بالهارود و ارتفاعات طالش مغان (حدود ۱۵۰ کیلومتر با جمهوری آذربایجان همسایه است. از جنوب به شهرستان مشگین شهر استان اردبیل، و از غرب به شهرستان کلیبر استان آذربایجان شرقی منتهی می‌گردد.

وسعت دشت مغان فعلی با سه شهرستان بيله سوار، گرمی و پارس آباد مغان جمعاً ۵۴۸۴ کیلومتر مربع است، که بیش از ۲۶ درصد وسعت استان اردبیل را شامل می‌شود.

از این مقدار وسعت، حدود ۱۰۰ هزار هکتار اراضی جلگه‌ای بوده و بقیه شامل نواحی استپی مغان در دامنه ارتفاعات خروس‌لو، اراضی تپه ماهوری و کوهپایه‌ای انگوت مغان و محال موران گرمی می‌شود. بخش کوهستانی کمتر از ۰/۲۰ وسعت کل منطقه را شامل می‌شود^۱

امروزه نیز مغان یکی از مراکز و قطب‌های کشاورزی، دامپروری و صنعتی ایران شناخته می‌شود. علاوه بر آن واقع شدن در مسیر راه‌های بازرگانی ایران و جمهوری آذربایجان یک موقعیت مناسبی برای منطقه ایجاد کرده است.

آخرین نقطه دشت مغان (پارس آباد) تا اردبیل ۲۱۰ کیلومتر و تابرین ۳۵۰ کیلومتر فاصله دارد. نزدیک‌ترین نقطه از مرز گرمی مغان تا دریای خزر حدود ۷۵ کیلومتر فاصله دارد.

شهرهای دشت مغان از طریق جاده‌های آسفالت گرمی - اردبیل و پارس آباد - مشگین - تبریز با مراکز اداری و سیاسی اردبیل و تبریز ارتباط برقرار می‌کنند. راه مواصلاتی مغان - تهران از طریق مسیر اردبیل - آستارا و دشت است. فرودگاه پارس آباد

۱. رک: فرهنگ جغرافیایی آذربایجان، ص ۴۷۹؛ موقع جغرافیایی دشت مغان، ص ۷۹؛ جغرافیای مفصل ایران، ج ۲ صص ۲۳-۲۲، بستان‌السیاحه، ص ۵۹۴؛ نزهت القلوب، صص ۹۱-۸۹؛ ناسخ‌التواریخ؛ ج ۲، صص ۷-۲.

مغان نیز ارتباط هوایی مغان با تهران را برقرار می‌کند. با شهرهای جمهوری آذربایجان از مسیر جاده آسفالت‌ه بيله‌سوار، حسن‌خانلوی پارس‌آباد و اصلاندوز و خداآفرین ارتباط برقرار است.

آب و هوا

دشت مغان بدارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی، آب و هوای متفاوت با سایر مناطق آذربایجان و اردبیل دارد. از نظر اقلیم در ردیف نیمه خشک و معتدل با آب و هوای استپی است. دارای تابستان‌های گرم و نسبتاً مرطوب با بیش از ۵۰ درصد رطوبت نسبی بوده و زمستان‌های آن نسبتاً معتدل و معمولاً همراه با بادهای خشک و سرد و دارای یخبندان‌های بسیار محدود می‌باشد.

مقدار بارندگی در بيله‌سوار و پارس‌آباد مغان به طور متوسط ۳۰۰ میلی‌متر است که ناشی از نفوذ جریان‌های مرطوب دریای خزر و توده هوای سرد شمالی و سیبری است. با دور شدن از دریای خزر از شرق به غرب بارندگی کاهش می‌یابد^۱ این بارش متناسب با آب و هوای مساعد و خاک پرقوت و حاصلخیز، موقعیت طبیعی و اقتصادی منطقه را در شرایط استثنایی در استان اردبیل قرارداد و رونق و توسعه کشاورزی را سبب شده است.

باده‌ها

۱. باد شرقی، به زبان محلی «بادمه» خوانده می‌شود. که از سمت دریای خزر در تمام فصول سال می‌وزد. این باد سرد و مرطوب بوده و رطوبت دریا را همراه با خود آورده، در فصول گرم موجب ریزش برف می‌گردد.

۲. باد خزری، قسمتی از جلگه مغان در مسیر بادهای غرب دریای خزر واقع می‌گردد.

۳. باد غربی، در زبان محلی به نام «گرمیچ» یا «آق‌یل» معروف است. در اغلب فصول سال برخلاف بادهای شرقی از غرب می‌وزد. چون گرم و خشک است در افزایش حرارت مؤثر می‌گردد. بادهای غربی رطوبت نسبی دریای مدیترانه را با خود همراه می‌آورند^۲

۱. جغرافیای استان اردبیل، ص ۲۹-۲۳ گزارش از شبکه آبیاری مغان، ص ۸.

۲. منبع پیشین، صص ۵-۶.

پستی و بلندی‌ها

در بررسی واحدهای توپوگرافی منطقه، دو واحد جلگه‌ای و کوهستانی با ویژگی‌های مشخص قابل تشخیص است.

۱- مناطق کوهستانی، ارتفاعات مغان ادامه ارتفاعات ارسباران در غرب و جنوب غربی و طالش در شرق و جنوب شرقی آن می‌باشد. این رشته کوه‌ها از ناحیه شمال به حوضه اردبیل از طرف دیگر به گردنه صایین در حد فاصل اردبیل و سراب مربوط می‌شود. این کوه‌ها در طول دوران چهارم زمین‌شناسی در حال تحول بوده و در نتیجه تحت تأثیر تغییرات سطح آب دریای خزر به صورت یک واحد مستقل جغرافیایی در آمده است. در حال حاضر دو رشته کوه قره‌داغ و طالش و عوارض جانبی آن منطقه را محصور کرده است.

کوه‌های قراداغ دنباله کوه‌های قراباغ است که به واسطه رود ارس جدا و از آراغات شزوع گردیده به شکل نیم دایره در جنوب ارس تا کوه‌های طالش امتداد می‌یابد. و محل تقسیم آب‌هایی است که از یک طرف به ناحیه مرتفع اهر و از طرف دیگر به شعبات رود ارس می‌ریزد. شعبات مزبور دره‌های عمیقی تشکیل می‌دهد که اغلب آنها از جنگل مستور شده است. از قله مرتفع کوه‌های قراداغ در دشت مغان می‌توان از صلوات‌داغ در جنوب این منطقه نام برد. این کوه‌ها در غرب مغان به مثابه دیوار محکم این دشت را محصور ساخته است.

کوه‌های طالش که امتداد قسمت‌های کم ارتفاع آن تا جنوب شرقی مغان می‌رسد. سدی محکم مابین فلات آذربایجان و دریای خزر می‌باشد. دامنه این کوه‌ها مستقیم‌آدر

دریای خزر فرورفته و یک حاشیه باریک و سرایشی را تشکیل می‌دهد که در نزدیکی بيله‌سوار مغان قطع می‌گردد. دامنه‌های شرقی این کوه‌ها مرطوب و دارای پوشش جنگل‌های انبوه است^۱

ارتفاعات داخلی مغان

الف- کوه‌های صلوات: این ارتفاعات در جنوب مغان واقع است، و شهرستان

۱. رک: جغرافیای مفصل ایران، ج ۱، صص ۳۴-۳۲، پیدایش تمدن در آذربایجان، صص ۵۵-۵۶.

مشکین شهر را از مغان جدا می‌کند. مرتفع‌ترین نقطه این ارتفاعات با نام «قلی تاش» یا «قراول داشی» با ارتفاعات ۲۲۰۴ متر از نقاط مرتفع مغان محسوب می‌گردد. کوه «مارال‌لو» به ارتفاع ۲۰۵۰ متر از دیگر نقاط مرتفع آن است. کوه‌های صلوات از شرق رودخانه دره رود آغاز و به طرف شرق حدود ۷۰ کیلومتر امتداد یافته به کوه‌های طالش در جنوب شرقی مغان منتهی می‌گردد.

ب - کوه‌های خروس‌لو: از ارتفاعات جنوبی مغان است که از شرق رودخانه دره رود شروع و به طول حدود ۷۵ کیلومتر در جنوب غربی بیله سوار به رودخانه بالهارود محدود می‌گردد. این ارتفاعات جلگه مغان را از مناطق کوهستانی آن مجزا ساخته و در حدفاصل صلوات داغ و رود ارس واقع شده است. عرض این ارتفاعات از دو تا پنج کیلومتر متفاوت بوده. مرتفع‌ترین نقاط آن «باجروان داغی» به ارتفاع ۸۰۰ متر و «آق داغ» به ارتفاع ۶۵۰ متر است.^۱

جلگه مغان

یکی دیگر از واحدهای توپوگرافی منطقه، جلگه است. این جلگه که تنها ۱۰۰ متر از دریا ارتفاع دارد پست‌ترین نقطه آذربایجان است، که قسمت شرق و شمال مغان را فرا گرفته است و وسعت این جلگه در حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار هکتار برآورد شده است که به واسطه عبور رود ارس به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. قسمت شمال آن معروف به دشت میل در قلمرو جمهوری آذربایجان است. و بخش جنوبی هم دشت مغان ایران است. اراضی جلگه‌ای که در دشت مغان ایران باقی مانده است حدود ۱۰۰ هزار هکتار

و ۱/۳ کل جلگه می‌باشد. به واسطه دارا بودن خاک حاصلخیز، آب و هوای مساعد و بهره‌برداری از آب رود ارس امروزه این جلگه یکی از قطب‌های کشاورزی مکانیزه ایران شناخته می‌شود و انبار غله استان اردبیل و آذربایجان است.

رودها

دشت مغان دارای شبکه بسیار وسیع و گسترده از آبهای روان است. ولی غیر از رود ارس که از رودهای دائمی و پر آب ایران محسوب می‌شود. بقیه رودهای منطقه فصلی

۱. رک: کوه‌ها و کوهنامه ایران، صص ۲۳۵، ۶۵، ۳۸۰ و ۴۱۲.

بوده و درایام تابستان آب آنها کاهش می‌یابد. از نظر اقلیمی آب رودهای این منطقه از بارش باران و ذوب شدن برف و یخ کوه‌های آراتات، ارسباران، سبلان و بزقوش در خارج از قلمرو مغان تأمین می‌شود. در داخل منطقه رودهای فصلی از نزولات جوی و ذوب شدن برف کوه‌های ارشق (صلوات‌داغ) و چشمه‌سارهای دامنه این کوه‌ها آبیگری می‌شود.

رود ارس: ارس، آراز یا آراکس از کوه‌های هزاربرکه در جنوب ارزروم و مشرق ترکیه سرچشمه می‌گیرد. پس از گذشتن از سرزمین‌های ترکیه، ارمنستان و آذربایجان، در سراسر شمال غربی ایران در جهت غربی و شرقی به سوی دریای خزر جریان می‌یابد و با پیوستن به رودخانه کر (کورا) به آن دریا می‌ریزد. طول این رود از سرچشمه تا محلی که به دریا می‌ریزد ۱۰۷۲ کیلومتر و طول ساحل هیرانی آن حدود ۹۵۰ کیلومتر می‌باشد. وسعت آبریز آن حدود ۱۰۰ هزار کیلومتر مربع است که آب‌های حوزه وسیعی از کرانه‌های راست و چپ خود را جمع‌آوری می‌نماید. تقریباً $\frac{2}{3}$ آب آن از خاک ترکیه و جمهوری ارمنستان و آذربایجان و حدود $\frac{1}{3}$ آن از خاک ایران تأمین می‌شود. شیب تند و جریان سریع آب آن و وجود دره‌های عمیق امکان کشتیرانی را بر روی آن غیر ممکن ساخته است. ولی استفاده از موقعیت طبیعی آن، آن را جهت ایجاد سد برای تأمین یک جریان دائمی و مطمئن آب در طول سال، برای امور کشاورزی و ایجاد نیروی برق آبی امکان‌پذیر ساخته است.

رودخانه ارس مرز شمالی دشت مغان (حدود ۷۰ کیلومتر) با جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد و تنها پل ارتباطی بر روی آن در قلمرو مغان «پل سید میل و مغان» است. البته از پل‌های خداآفرین و صابرآباد نیز امکان برقراری ارتباط وجود دارد. رود ارس دشت مغان را به بهشتی سرسبز و با صفا تبدیل ساخته است. حدود یکصد هزار هکتار از اراضی آن را مشروب ساخته و آب شهرهای پارس‌آباد، اصلاندوز، بیله‌سوار و جعفرآباد را تأمین می‌کند.

رودخانه دره‌رود «دره‌یورت»: این رود از رشته‌های بزقوش و سبلان سرچشمه گرفته، با نام قراسو در دشت اردبیل جاری می‌شود و بعد از عبور از اردبیل در حوزه شهرستان مشکین‌شهر رودهایی که از دامنه شمالی سبلان سرچشمه می‌گیرد، به این رود می‌پیوندد. در ۱۵ کیلومتری شمال شهر مشکین (خیابو) رود بزرگ اهرچایی به آن پیوسته و رودخانه دره‌رود یا دورود را تشکیل داده وارد کوهستان‌های ارسباران می‌شود. در

نقطه ۴۵ کیلومتری جنوب اصلاندوز وارد خاک مغان شده و با طی مسافت ۴۵ کیلومتری به ارس می‌پیوندد. اراضی ساحلی این رود در بخش اصلاندوز مغان با ایجاد نهرهای سنتی و بتونی از آب آن مشروب می‌شود. اما این بهره‌برداری کافی نیست. این رود استعداد بهره‌دهی بیشتر از آن را دارد. در زمستان و اوایل بهار سیلاب طوفنده آن بدون بهره‌برداری به ارس و دریای خزر می‌ریزد، و می‌توان با ایجاد سدهای مخزنی و انحرافی در کوهستان‌های ارسباران استفاده بهینه‌ای از آن برای امور کشاورزی و تأمین آب شرب آبادی‌های منطقه کرد.

در دشت مغان رود سامبول‌چایی که از دره‌های سیلابی ارتفاعات صلوات‌داغ و خروس‌لو تشکیل می‌شود به رودخانه دره‌رود می‌پیوندد. بر روی رودخانه سامبول‌چایی نیز می‌توان در نزدیکی‌های تازه‌کندانگوت تأسیسات بهره‌برداری آبی ایجاد کرد. رودخانه بالهارود: بالهارود از رودهای مرزی دشت مغان با جمهوری آذربایجان است. این رود از ارتفاعات جنوب شهرستان گرمی سرچشمه گرفته و با طی مسیری به‌طول ۱۳۵ کیلومتر از جنوب بيله‌سوار مغان وارد خاک جمهوری آذربایجان می‌شود. رودهای سیلابی «ساله‌چایی»، «گرمی‌چایی»، «ساری‌قمیش»، «برزندچایی»، «زارنجی»، «دیزج‌چایی» از ارتفاعات صلوات‌داغ و خروس‌لو سرچشمه گرفته و به بالهارود می‌پیوندند.

امروزه استفاده چندانی از آب این رودها به‌عمل نمی‌آید و استعداد آن‌را دارد که با سرمایه‌گذاری اندک و احداث سدهای مخزنی خاکی و حوضچه‌های بزرگ برای آبیاری اراضی ساحلی آنها و تأمین آب شهر گرمی و آبادی‌های منطقه استفاده شایسته‌ای از آنها به‌عمل آید.

پوشش گیاهی و زندگی جانوری

موقعیت طبیعی، وجود رودخانه ارس و اراضی جلگه‌ای، مناطق کوهستانی همراه با تنوع آب و هوایی و بارندگی نسبتاً زیاد، انواع پوشش گیاهی را در دشت مغان فراهم ساخته است.

در قرون قبل پوشش جنگلی کناره رود ارس و ارتفاعات خروس‌لو و صلوات‌داغ از مناظر زیبای آذربایجان بوده است. متأسفانه به دلیل عدم مراقبت و مصرف بی‌رویه در دهه اخیر، و خشکسالی‌های متوالی این جنگل‌ها رو به نابودی گذاشته است، و محیط

زیست منطقه را در معرض خطر قرار داده است. امروزه فقط در حاشیه رود ارس قطعات کوچک جنگل دیده می‌شود.

بخش وسیعی از دشت مغان را مراتع عشایری تشکیل می‌دهد. در ایام بارندگی انواع گیاهان استپی و جلگه‌ای با تنوع و غنای استثنایی سطح دشت را می‌پوشاند و آن را تبدیل به منطقه سرسبز و خرم می‌سازد، اما در ایام خشکسالی همین مراتع سرسبز تبدیل به جهنمی از بیابان بی‌آب و علف می‌گردد. از دهه ۱۳۵۰ شمسی حدود یک‌صد هزار هکتار از اراضی جلگه‌ای دشت مغان زیر پوشش شبکه آبیاری قرار گرفته و با عنایت به تنوع آب و هوایی و چند کشته بودن زمین‌های زراعتی در همه فصول سال محصولات سبزی کشاورزی پوشش گیاهی مناسبی را فراهم می‌سازد.

از نظر حیات جانوری تا پنجاه سال قبل انواع جانوران وحشی به صورت گله و رمه در دشت، حاشیه رودخانه‌ها و دامنه کوه‌های منطقه زندگی می‌کردند. به ویژه گله‌های بزرگ آهو، گوزن، بزکوهی و میش وحشی و پرندگان مختلف این منطقه از شهرت خاصی برخوردار است.

با پیدایش آبادی‌ها و شهرهای جدید و اجرای برنامه عمران دشت مغان و تبدیل زندگی عشایری به شهرنشینی و روستایی نسل این حیوانات نیز رو به انقراض است و امروزه فقط در جنگل‌های حاشیه رود ارس و ارتفاعات جنوب مغان حیواناتی چون گرگ، روباه، خرگوش، موش، شغال و خوک و پرندگانی چون کبک، اردک، غاز، قرقاول، کبوتر، بلدرچین، گنجشک و... دیده می‌شود.

از حیوانات اهلی در ایام قدیم که اسب و شتر و گوسفند اهمیت اساسی در اقتصاد عشایر داشتند، امروزه فقط گوسفند اهمیت خود را حفظ کرده و اسب و شتر از چرخه فعالیت‌های اقتصادی خارج شده‌است.

موقعیت اقتصادی

موقعیت اقتصادی هر منطقه مرهون شرایط و ویژگی‌هایی است که به طور طبیعی و غیر طبیعی در اختیار آن قرار گرفته است. این موقعیت و شرایط جغرافیایی، در دشت مغان از دیرباز به صورت طبیعی چنان مهیا بوده که زمینه فعالیت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی و دامپروری را در مقیاس وسیع فراهم ساخته است. وضع اقلیمی، مساعد بودن آب و هوا، حاصلخیزی خاک، جریان رود ارس و وجود زمین‌های آبرفتی وسیع در

حاشیه این رود، همه از عوامل توسعه فعالیت‌های کشاورزی منطقه می‌باشند. علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی، اشتغال به دامپروری به شیوه سنتی و کوچ‌نشینی دز قرون قبل محور اصلی فعالیت‌های اقتصادی مردم منطقه بوده است که امروزه این فعالیت نیز با بهره‌برداری از سیستم‌های مکانیزه توسعه چشمگیری یافته است. بقا و استمرار زندگی ایلاتی و ضرورت بهره‌برداری از مراتع و چراگاه‌های قشلاقی مغان و بیلاقی سبلان و بزقوش سبب شده است که علیرغم اقدامات عمرانی گسترده در بخش کشاورزی، کماکان این بخش از اقتصاد جایگاه با اهمیت خود را در منطقه حفظ نماید. فعالیت دو سیستم سنتی و مکانیزه دامپروری موجب شده است که دشت مغان به عنوان یکی از مراکز تأمین و تولید محصولات دامی اردبیل و حتی کشور شناخته شود. این وضعیت در حالی است که با اجرای برنامه عمران دشت و احداث شبکه بزرگ آبیاری و سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در بخش کشاورزی دشت مغان در این بخش از فعالیت اقتصادی نیز قطب کشاورزی ایران شده است.

در تکمیل فعالیت‌های اقتصادی بخش کشاورزی و دامپروری در چند دهه اخیر با سرمایه‌گذاری کلان در بخش صنعت و ایجاد صنایع تبدیلی شرکت‌های دولتی، منطقه از این

حیث نیز پیشرفت‌های در خور توجه داشته است. کارخانه‌های قندمغان، لبنیات، پروسس میوه و بذور از مهم‌ترین واحدهای صنعتی کشور به حساب می‌آیند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که دشت مغان در سه بخش مهم اقتصادی (کشاورزی، دامپروری و صنعت) توانسته است، جایگاه و رتبه بزرگی در اقتصاد اردبیل و آذربایجان و حتی کل کشور به دست آورده و قطب اقتصادی به حساب آید.

این رونق و توسعه سریع، زمینه سرمایه‌گذاری‌های کلان آتی به‌ویژه توسط بخش خصوصی و تعاونی را در زمینه‌های مختلف اقتصادی را فراهم ساخته است. امید است در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور توجه و عنایت بیش از پیش به این منطقه شده و رشد اقتصادی را در حد مطلوب و در شأن منطقه فراهم گردد.

کشاورزی

فعالیت کشاورزی در دشت مغان سابقه کهنی دارد. طبق گزارش‌هایی که در متون جغرافیایی و تاریخی آمده است فعالیت در این بخش اقتصادی در تمام دوره‌های

تاریخی مردم منطقه در سطحی گسترده وجود داشته است. علاوه بر فعالیت‌های کشاورزی در حاشیه رود ارس، اراضی مستعد حاشیه رودخانه‌های داخلی مغان و بخش انگوت و برزندگرمی مغان در بیشتر دوره‌های زندگی مردم منطقه زیر کشت محصولات کشاورزی بوده است.

در دوره معاصر در یک مقطع خاص، آن هم با توجه به عواقب و نتایج زیانبار جنگ‌های روس با ایران در عهد قاجار، ظاهراً وقفه و رکود بزرگی در فعالیت‌های کشاورزی به وجود آمده است. کشتار نیروی انسانی منطقه، از دست رفتن اراضی وسیع جلگه‌ای، درگیری‌های ایلی و قبیله‌ای، درگیری‌های مرزی با روسیه، فشارهای مالیاتی پس از جنگ، تراکم و تمرکز طوایف عشایری قفقاز و قره‌باغ در این دشت و مهمتر از همه آنها فقدان امنیت اجتماعی از اسباب توقف فعالیت در بخش کشاورزی این دوره در دشت مغان بوده است. با گذشت چند دهه از این مقطع آشفته و نابسامان، بازگشت مردم به فعالیت در بخش کشاورزی در ساحل رود ارس و مناطق کوهستانی منطقه با سرعت چشمگیری آغاز می‌گردد. لیکن عواملی چون نظام ارباب‌ورعیتی، استفاده از ابزارهای سنتی و دور ماندن از کاروان توسعه و پیشرفت‌های ایجاد شده در جهان امکان رونق و توسعه این فعالیت‌ها را فراهم نمی‌کند.

در دهه‌های اول قرن اخیر با پیدایش روستاهای جدید و توجه دولت به بخش کشاورزی پیشرفت‌هایی در این زمینه به خصوص در مناطق بیله‌سوار و گرمی مغان که دارای اراضی دیمی مساعد هستند، دیده می‌شود.

دوره نوین و فعالیت توسعه یافته در بخش کشاورزی مغان، با فراهم شدن تسهیلات و امکانات بهره‌برداری از آب رود ارس از دهه ۱۳۳۰ شمسی آغاز گردید. در این دوره با احداث سدهای «ارس» و میل مغان و ایجاد شبکه آبیاری وسیع به طول ۲۱۱ کیلومتر از اصلاندوز در غرب تا بیله‌سوار در شرق مغان، حدود یک‌صد هزار از اراضی مستعد جلگه‌ای به زیر کشت محصولات کشاورزی رفت. به زودی اهمیت اقتصادی دشت مغان برای دست‌اندرکاران امور اقتصادی به خصوص در بخش کشاورزی آشکار گردید. و از دهه ۱۳۵۰ شمسی با ایجاد شرکت‌های تولیدی و دامپروری و صنعتی بهره‌برداری از استعداد های طبیعی و ایجاد شده آغاز گردید. مراکز تحقیقی، تخصصی و خدماتی در بخش زراعت، باغداری، دامداری، با استفاده از آخرین پیشرفت‌های کشورهای غربی به منظور ارائه خدمات و مطالعات آتی در منطقه ایجاد شدند. در دهه ۱۳۵۰ شمسی

بیشتر نیروهای تخصصی و علمی این مراکز تحقیقی و تولیدی را کارشناسان کشورهای غربی به ویژه امریکا تشکیل می‌دادند. چون انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست همه این کارشناسان طرح‌ها و برنامه‌های در دست اجرا را نیمه‌تمام گذاشتند و از ایران رفتند.

از دهه ۱۳۶۰ با سرمایه‌گذاری و اجرای برنامه‌های جدید وزارت کشاورزی و نیرو تحولی عمیق در بخش کشاورزی منطقه مغان به وجود آمد. و سیستم‌های مکانیزه آبیاری، قطره‌ای و بارانی همزمان با احداث کارخانجات تکمیلی در بخش صنایع غذایی و دامپروری و بذر و میوه راه‌اندازی و اجرا گردید.

در راستای ایجاد امکانات و تسهیلات لازم در بخش کشاورزی امروزه فعالیت در این بخش به شکل‌های زیر معمول است:

۱. فعالیت در اراضی زیر شبکه آبیاری دشت، با اسلوب مکانیزه و برخورداری نسبی از فنون و تخصص کشاورزی و با راندمان بالا و با کشت محصولات و گیاهان غلات، صنعتی، روغنی و علوفه‌ای.

۲. فعالیت در اراضی دیمی مستعد بیل‌سوار و جعفرآباد مغان با سیستم نیمه مکانیزه با کشت و تولید غلات و حبوبات با راندمان متوسط و مطلوب.

۳. فعالیت در اراضی دیمی نواحی کوهستانی جنوب مغان با برخورداری نسبی از ابزار و ادوات کشاورزی و فنون کشاورزی با کشت غلات و حبوبات و بهره‌دهی پایین.

۴. فعالیت واحدهای دولتی با بهره‌مندی از مراکز علمی و تحقیقی با در اختیار داشتن امکانات و تسهیلات سرمایه و نیروی انسانی متخصص و اجرای سیستم کاملاً مکانیزه و پیشرفته و با کشت گیاهان غلات، صنعتی و علوفه‌ای و باغی و به‌ویژه محصولات شاخص در کشور

محصولات کشاورزی دشت مغان

برای درک و شناخت جایگاه کشاورزی دشت مغان در اقتصاد منطقه و کشور اشاره مختصر به سطح زیر کشت محصولات مهم آن در بخش خصوصی و دولتی با ارائه ارقام و آمار لازم می‌باشد.

۱. گندم سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۱۶۶۲۰ هکتار با راندمان متوسط ۴ تا ۵ در هکتار. کشت دیم در بخش خصوصی ۹۰۳۵۰ هکتار با راندمان متوسط ۱ تن در هر

هکتار. در بخش دولتی سطح زیر کشت آبی ۱۰۰۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۵ تا ۷ تن در هکتار.

نکته مهم: عملکرد برخی از قطعات از ۲/۵ برابر عملکرد متوسط کشور نیز فراتر می‌رود.

۲. جو: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۴۱۲۸ هکتار با راندمان متوسط ۳-۴ تن در هکتار، سطح زیر کشت دیمی بخش خصوصی ۴۱۹۸۵ هکتار با راندمان متوسط ۱ تن در هکتار، سطح زیر کشت آبی در بخش دولتی ۲۰۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۳-۴ تن در هکتار، کشت دیمی در بخش دولتی ۱۰۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۲ تن در هکتار،

۳. ذرت دانه‌ای: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۲۳۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۸ تن در هکتار. سطح زیر کشت آبی در بخش دولتی ۳۰۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۸ تن در هکتار.

۴. ذرت بذری: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۲۱۶۵ هکتار با راندمان متوسط ۲-۳ تن.

نکته مهم: این محصول در دشت مغان از محصولات شاخص می‌باشد و ۸۰ درصد نیاز کشور به این بذر در دشت مغان تولید و پروسس می‌شود.

۵. ذرت علوفه‌ای: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۱۲۳۶ هکتار با راندمان متوسط ۴۰-۵۰ تن هکتار در بخش دولتی ۸۰۰ هکتار با راندمان ۵۰ تن هکتار.

۶. چغندر قند: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۳۳۲۸ هکتار با راندمان متوسط ۳۵-۴۰ تن در هکتار، در بخش دولتی سطح زیر کشت ۲۰۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۴۵ تن در هکتار.

۷. پنبه: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۴۹۵۴ هکتار با راندمان متوسط ۲/۵ تن در هکتار.

۸. سویا: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۳۲۳۰ هکتار با راندمان متوسط ۲/۵ تن در هکتار. در بخش دولتی ۸۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۲/۵ تن در هکتار.

۹. یونجه و شبدر: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۱۱۲۷۵ هکتار با راندمان متوسط ۱۲ تن در هکتار، در بخش دولتی ۱۶۰۰ هکتار با راندمان متوسط بیش از ۱۰ تن هکتار.

۱۰. برنج: سطح زیر کشت در بخش خصوصی ۵۷۰ هکتار با راندمان متوسط ۲/۵ در هکتار.
 ۱۱. لوبیا: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۱۸۰ هکتار با راندمان متوسط ۱/۵ تن در هکتار.
 ۱۲. هندوانه، خیار: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۵۹۰ هکتار با راندمان متوسط ۲۰ تن در هکتار.
 ۱۳. گوجه‌فرنگی: سطح زیر کشت آبی در بخش خصوصی ۷۶۸ هکتار با راندمان متوسط ۳۰ تن در هکتار.
 ۱۴. نخود: سطح زیر کشت دیمی در بخش خصوصی ۱۸۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۷۰۰ کیلوگرم در هکتار.
 ۱۵. عدس: سطح زیر کشت دیمی در بخش خصوصی ۲۵۰۰۰ هکتار با راندمان متوسط ۷۵۰ کیلوگرم در هکتار.
- این آمار و ارقام مربوط به سال ۱۳۷۴ بوده و از آرشیو سازمان کشاورزی اردبیل و شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان اخذ شده‌است. در سال‌های اخیر سطح زیر کشت و راندمان محصول افزایش چشمگیری دارد.

باغداری

پیشینه فعالیت باغداری در دشت مغان با پیدایش اولین تمدن‌های بشری در حاشیه رود ارس که حدود شش هزار سال قبل شناخته شده‌اند، ارتباط دارد. به‌طوری که در روایات تاریخی آمده است درخت در نزد قوم اصحاب بس مقدس بوده و رب‌النوع آفرینش و حیات و جاودانی آنان تلقی می‌شده‌است.

در قرون نخستین اسلامی، باغستان، گلستان و بوستان دشت مغان آن منطقه را به بهشت دنیوی تبدیل ساخته بود. محصولات باغی به رایگان در اختیار مردم و نیازمندان قرار می‌گرفت. باغ باجروان پایتخت و کرسی شاه مغان چنان معروف بوده است که مورخان و سیاحان غرب و ایرانی قرون نخستین اسلامی آن را افتخار عالم اسلام می‌دانستند.

متأسفانه با تحولات اجتماعی و اقتصادی که در قرون پنجم و ششم هجری به بعد در منطقه روی داد، باغداری نیز چون دیگر فعالیت کشاورزی آبی از رونق افتاد، و علاوه بر اینکه مردم عشایری و صحراگرد تازه به میدان رسیده به این کارها اهمیتی ندادند، حتی

جنگل‌ها و باغستان طبیعی و خدادادی را هم از بین بردند. در قرون اخیر، باغداری فقط در باغچه‌های خوانین و ملاکان بزرگ در مناطق کوهستانی و نیز در آبادی‌های کناره ارس در حد محدودی معمول بوده‌است. از این نوع باغ‌ها آثاری در روستاهای بخش انگوت مغان مشاهده می‌گردد.

اقدامات اساسی در بخش باغداری توسط شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان در دهه‌های اخیر صورت گرفته است. در طرح اولیه شرکت سطح حدود شش هزار هکتار با هدف عرضه میوه با کیفیت‌های صادراتی برای باغداری پیش‌بینی شده بود. از این مقدار تا کنون حدود ۲۳۰۰ هکتار مورد بهره‌برداری قرار گرفته و محصولات باغی چون سیب، آلو، آلبالو، گیلان، هلو، شلیل، و فندق و انار با واریته‌های مختلف به زیر کشت رفته است.

در این قسمت یک اقدام مهم نیز توسط دانشگاه تبریز در سطح ۷۰ هکتار به منظور مطالعه و تحقیق چند نوع درخت میوه و جنگلی و زمینی در ۵۰۰ واریته مختلف باغ ایجاد شده است. در کنار آن قطعات باغ ایستگاه تحقیقات کشاورزی و تهیه بذر و نهال اולتان نیز از نظر باغداری معروف است.

دامپروری

دامپروری از جمله فعالیت‌های مهم و عمده مردم دشت مغان بوده و هست. وجود مراتع قشلاقی و بیلاقی پر بار و غنی جلگه مغان و دامنه‌های سبلان، بز قوش و ارسباران با فاصله ۱۵۰-۲۰۰ کیلومتری از همدیگر زمینه مناسبی برای فعالیت در بخش دامپروری را فراهم کرده است. شیوه زندگی و فرهنگ اقتصادی مهاجرین ترک که آخرین گروه‌های وارد شده به منطقه است. این روند را توسعه و استمرار بخشیده است. در کتب تاریخی حداقل وجود قبایل دامپرور از سه هزار سال پیش از این در دشت مغان مشاهده می‌گردد. و در هیچ مقطعی از تاریخ منطقه این سیر و روند زندگی قطع نشده است.

در دهه‌های اخیر با اجرای برنامه عمران دشت مغان و مهاجرت گسترده خانواده‌های عشایری به شهرهای اردبیل و تبریز و تهران و اسکان دسته جمعی در شهرهای منطقه تا اندازه‌ای از رونق و توسعه این بخش کاسته شده است. لیکن هنوز هم تلاش و تکاپو برای استمرار این شیوه زندگی در دشت مغان وجود دارد. به طور کلی فعالیت در بخش دامپروری در این منطقه به روش‌های زیر معمول است:

۱. دامپروری به روش کوچ‌نشینی و رمه‌گردانی:

این روش ادامه نظام سنتی عشایر منطقه بوده و در ایام زمستان در مراتع قشلاقی دشت مغان و ایام تابستان را در ییلاقات سبلان، بزقوش و ارسباران مردان و زنان عشایری رمه‌های گوسفندان خود را به چراگاه می‌برند. البته تغییرات کلی در منازل و مسکن و وسایل تردد و محل نگهداری دام و غیره ایجاد شده است. طبق آخرین آمار به‌دست آمده عشایر شاه سون مغان در قالب ۴۴ طایفه و ۸۲۰۰۰ نفر جمعیت ۲ میلیون راس دام را در ۵۵۲ منطقه قشلاقی مغان و مشکین استقرار دارند و حدود ۴۰٪ دام استان اردبیل را در اختیار دارند^۱

گوسفندان در میان حیوانات و دام عشایر شاهسون جایگاه اصلی را کسب کرده است و نگهداری و پرورش اسب و شتر و گاو در حد خیلی محدود و کم معمول است. ۲. دامپروری در روستا:

دامپروری روستایی مکمل فعالیت کشاورزی است. روستاییان علاوه بر فعالیت در بخش کشاورزی فرصت مناسبی دارند چند راس گاو و گاومیش و گوسفند و بز را برای تأمین لبنیات و گوشت مورد نیاز خویش نگاه دارند. این شیوه علاوه بر افزایش درآمد خانواده روستایی اوقات بیکاری آنان را نیز پر می‌کند. دام‌های نگاه‌داری شده در روستا سه فصل سال را از مراتع و چراگاه‌های مشترک روستایی استفاده می‌کند و سر ماه زمستان را در آغل و طویله پرورش داده می‌شود. در دهه‌های اخیر به تدریج روستاییان نیز سیستم‌های مکانیزه دامداری را جایگزین نظام سنتی قبلی کرده و بر درآمد خویش افزوده‌اند.

۳. دامپروری مکانیزه:

دامپروری مکانیزه در شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان معمول است و با اقدامات انجام شده است.

گاوه‌های شیری در شش ایستگاه بالغ بر ۶۱۶۲ راس، گاومیش پرواری به صورت خرید ۱۲۸۱ راس، گوساله پرواری ۶۷۲۶ راس، گوسفند داشتی ۳۵ گله، گوسفند پرواری ۳۵۸۶۴ راس، زنبورداری ۲۰۰۰ فروند کندو^۲.

۱. دشت مغان تکاپو برای حفظ زندگی عشیره‌ای، ص ۶.

۲. آمار و ارقام مربوط به سال ۱۳۷۴ از آرشیو شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان.

فعالیت‌های صنعتی

صنعت مجموعه‌ی تصرفاتی است که انسان در مواد به عمل آورده، آنها را طبق احتیاج خود تغییر می‌دهد. هر قدر احتیاج انسان بیشتر شود، تصرف در مواد طبیعی مستلزم داشتن اطلاعات دقیق علمی و فنی است. پس همیشه توسعه‌ی صنایع در هر کشور یا منطقه‌ای نشانه‌ی پیشرفت علوم و فنون در آن است.

اصولاً صنایع را به دو دسته عمده تقسیم می‌نمایند.

۱. صنایع دستی

۲. صنایع کارخانه‌ای

صنایع دستی در مغان از سابقه‌ی دیرین برخوردار است. طبق گزارش باستان شناسی و با کشف پارچه‌ی منقوش بی‌نظیر دوره‌ی پارتنی (اشکانی) از تپه‌های باستانی مغان، محققین قدمت صنعت دستی در بخش بافندگی و ریسندگی این منطقه را به دوهزار سال پیش می‌رسانند. در قرون نخستین اسلامی سیاحان و جغرافیا نویسان از رونق صنایع دستی در شهرهای مغان یاد می‌کنند. در قرون بعد نیز این حرفه‌ها در راستای نیازمندی‌ها رشد و توسعه یافته و هنرمندان عشایری و روستاییان ظریف‌ترین نخ‌های پشمی را برای تهیه کت و شلوار مردانه، کلاه، جوراب، دستکش، قالی‌بافی، جاجیم، گلیم، ورنی، تهیه و با مهارت هنرمندانه استفاده می‌کردند.

اصولاً شیوه‌ی زندگی عشایر بر مبنای خود کفایی در تهیه و تأمین مسکن، خوراک و پوشاک و لوازم و اسباب زندگی بوده‌است. کالاهای مصنوعی و ماشینی در اقتصاد آنان جایگاه و رتبه‌ای خیلی پایین داشت. و احتیاج آنان به تولیدات صنعتی فقط در خصوص نفت، قند، چراغ‌روشنایی، ظروف و البسه‌ی زنانه و زیورآلات و بعضی از ارزاق عمومی بود.

در دهه‌های اخیر، به خاطر علاقمندی مردم منطقه به امور کشاورزی و اشتغال فعال در این بخش اقتصادی و به دنبال تغییرات و تحولات ایجاد شده در زندگی عشایری، صنایع دستی رونق خود را از دست داده‌است. این وضعیت با ارائه و ترویج البسه و تولیدات کارخانه‌ای در مقیاس بسیار وسیع و ارزان به تدریج به نابودی صنایع دستی منطقه منجر گردید. امروزه فقط از این فعالیت‌ها، قالی‌بافی و ورنی‌بافی توانسته است جای وزین خود را در اقتصاد روستایی و عشایری حفظ نماید.

ایجاد صنعت ماشینی در دشت مغان از دهه ۱۳۴۰ شمسی مورد توجه جدی قرار

گرفته است. و توجه به این بخش از فعالیت اقتصادی گامی در جهت تکمیل فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری منطقه بود. به همین جهت است که صنعت موجود در بیشتر صنایع تبدیلی مواد و فرآورده‌های اولیه کشاورزی، دامی و باغداری می‌باشد. البته با توجه به فقدان زمینه و شرایط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این منطقه مرزی و دور افتاده سرمایه‌گذاری کلان ابتدا توسط بخش دولتی و به‌اهتمام شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان و وزارت نیرو انجام شده است. و در این راستا سرمایه ملی و دولتی در سطح کلان به این منطقه سوق داده شد. در دهه اخیر بخش خصوصی نیز در سرمایه‌گذاری زیربنایی و راه‌اندازی واحدهای صنعتی فعال شده است. در نتیجه این فعالیت‌ها کارخانه و واحدهای صنعتی زیر در منطقه ایجاد شده است.

۱. کارخانه قند با ظرفیت اسمی ۵ هزار تن در روز، یکی از کارخانه‌های بزرگ خاورمیانه، تأسیس ۱۳۶۲ ش.

۲. کارخانه پروسس بذر، تولیدات سالانه ۳ تا ۴ هزار تن، صد درصد نیاز کشور را تأمین می‌کند، از جمله مدرن‌ترین کارخانجات بذر دنیا می‌باشد. راه‌اندازی دهه ۱۳۶۰ ش.

۳. کارخانه خوراک دام، با ظرفیت ۳۰ تن در ساعت، راه‌اندازی دهه ۱۳۶۰ ش.

۴. کارخانه لبنیات، با ظرفیت ۱۸۰ تن شیر در روز، راه‌اندازی ۱۳۷۵ ش.

۵. کارخانه پنیر پاستوره، با ظرفیت ۲۵ تن، در سال ۱۳۶۷ راه‌اندازی شده است.

۶. کارخانه پروسس میوه، آب سیب و کنسنتره با ظرفیت ۳ تن در ساعت، نکتار هلو و آلو با ظرفیت کامل ۳۰ میلیون پاکت نوشابه طبیعی در سال، در سال ۱۳۷۱ بهره‌برداری شده است^۱

۷. حدود ۱۰ واحد کارخانجات پنبه پاک‌کنی.

۸. مجتمع تولیدی جعفرآباد،

علاوه بر این واحدهای صنعتی که با سرمایه‌گذاری کلان دولتی و بخش خصوصی و تعاونی راه‌اندازی شده‌اند، صدها کارگاه و واحدهای فنی، تولیدی و خدماتی برای تأمین مواد مورد نیاز و ارائه خدمات فنی در زمینه‌های کشاورزی آب و برق و ماشین آلات صنعتی در دهه اخیر ایجاد شده است. با این حال استعداد و توانایی طبیعی منطقه قابلیت پذیرش سرمایه‌گذاری‌های ملی و دولتی و فعالیت کلان بخش خصوصی و تعاونی را

۱. آمار و اطلاعات شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان و مدیریت کشاورزی مغان.

دارد.

ویژگی‌های انسانی

اطلاعات و آگاهی‌هایی که از بررسی ویژگی‌های انسانی یک سرزمین و یا یک ملت و قومی به دست می‌آید، یافته‌های ارزشمندی هستند که در شناخت بهتر و بیشتر تاریخ و فرهنگ و تمدن آن سرزمین مؤثر واقع می‌شود. در این رابطه در مباحث مختلف کتاب و در شرح و بیان اوضاع سیاسی و اجتماعی مقاطع مختلف تاریخی اشارات کافی به جغرافیای انسانی دشت مغان شده‌است. در این جا به طور اختصار در ارتباط با زبان، نژاد و دین و جمعیت این منطقه سخن خواهیم گفت.

نژاد: مغان از ملت‌های آسیایی نژاد ساحل دریای خزر و از ملت‌های بومی این سرزمین است که در هزاره دوم قبل از میلاد با اقوامی چون آلبانیا و کادوسی‌ان و کاسپیان و گل‌ها همسایه بوده‌اند. در هزاره اول قبل از میلاد قبایل آریایی ماد، اسکیت، آلان‌ها و... از ساحل غربی دریای خزر وارد دشت مغان شده و با قبایل بومی اختلاط و آمیزش یافته‌اند.

به درستی روشن نیست کدام یک از این دو عنصر یعنی مهاجرین و بومیان از نظر نژادی و استحاله کردن یکدیگر تفوق و برتری داشته‌است. اما این مسئله واضح است که مغان به عنوان یک قبیله و قوم در اتحادیه ماد و اولین دولت متمرکز ایرانی حضور مؤثر داشته‌است. این حضور و ظهور بیش از یک هزار سال با همان نام استمرار داشته‌است.

پس از پیروزی سپاه مسلمین بر ایرانیان، اعراب در قالب اردوهای جنگی و قبیله‌های اجتماعی وارد دشت مغان شده‌اند. اما باز هم مردمی به نام مغان دارای سرزمینی مشخص، حاکمیت سیاسی بومی و نیمه مستقل (اسپهد مغان) و با فرهنگ و تمدن کهن خویش حداقل تا قرن پنجم در تاریخ ظهور و حضور خود نشان می‌دهد. بنابراین تا این تاریخ ملتی به نام مغان در کنار ملت‌هایی چون طالش، گل‌ها (گیلانی‌ها)، آرانی و ارمن و آذربایجانی، و اردبیلی در شمال غربی ایران زندگی می‌کردند. در قرن پنجم هجری ترکمانان سلجوقی و اوغوزها سراسر آذربایجان، مغان و آران و شیروان را تحت استیلای خویش درآوردند. به دنبال این مهاجرت گسترده نژاد ترک، گروهی دیگر از ترکان با مغولان وارد دشت مغان شده‌اند. قبلاً نیز دستجاتی از ترکان قپچاق و خزری از قفقاز وارد این سرزمین شده بودند.

گویا از این تاریخ به بعد است که عنصر نژادی ترک با تفوق بر ملت‌های دیگر جمعیت ساکن این دیار را به خود اختصاص داده‌است. بنابراین نژاد فعلی جمعیت دشت مغان از اختلاط و آمیختگی همه این نژادها یعنی بومیان، اعراب، قبایل مختلف ترکان قفقازی-خزری و ترکان آسیای مرکزی و ماورالنهر پیدا و ظهور یافته است.

زبان

با گزارشی که از سیر پیدایش و زندگی عناصر نژادی مختلف ارائه شد، تا اندازه‌ای بحث زبان نیز مشخص می‌گردد. قبل از این که آریاییان به این منطقه بیایند، زبان مغان که احتمالاً میراثی از زبان تمدن‌های اولیه ساحل رود ارس بوده‌است، وسیله ارتباط مردم با یکدیگر بوده‌است. به نظر می‌رسد این زبان با زبان‌های اقوام و ملت‌های ساکن در ساحل دریای خزر قرابتی داشته است. در دوره پیدایش زبان پارسی باستان و اوستایی، زبان مغان واسطه انتقال واژه‌های اسامی ماه‌های پارسیان از تمدن اصحاب ارس است.

در اتحادیه ماد که زبان آنان به درستی روشن نشده است، زبان مغان به وسیله دانشمندان، روحانیون و آموزگاران که خود را فقط منتسب به قبیله مغان می‌دانستند، به طور حتم تفوق و برتری داشته‌است. این امر تا ظهور اسلام و دگرگونی عمیق اجتماعی و فرهنگی در سراسر ایران استمرار داشته است. به ویژه در شمال غرب فلات ایران که آن را سرزمین ماد می‌خواندند، در دوره ساسانیان حاکمیت مغان در ماد چنان نیرومند بوده است که برخی از نویسندگان آن را کشور و مملکت مغان می‌خواندند. و زبان مغان زبان دیوانی و دولتی و غالب این دوره بوده‌است.

پس از تسلط اعراب بر این مناطق و توسعه و پایداری آن در تبریز و اردبیل و مراغه محدوده و قلمرو مغان محدود به اسپهبدنشینی مغان می‌گردد، و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی ریشه‌دار پدیدار می‌گردد. از قرن پنجم هجری زبان بومی و لهجه‌های محلی ایرانی غلبه پیدا کرده و زبان کنونی مردم منطقه را ایجاد کرده‌است.

لهجه‌ای که امروزه مردم مغان به آن تکلم می‌کنند در لحن و ترکیب واژه و... تفاوت‌هایی با لهجه‌های شهرهای همسایه چون تبریز، ارسباران، اردبیل و آران و شیروان و طالش دارد. اما هر چه باشد در هنگام صحبت و محاوره زبان همدیگر را می‌فهمند.

جمعیت

دشت مغان با دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی در طول تاریخ از تراکم جمعیت برخوردار بوده است. آثار باستانی اطلاعات و گزارشات مورخین و جغرافی دانان حکایت از وجود جمعیت زیاد در ساحل ارس و مناطق کوهستانی این منطقه بوده است. در قرون نخستین اسلامی درصد جمعیت شهر نشین بیشتر از دیگر گروه های اجتماعی یعنی عشایر و روستاییان بوده است و ما این عصر را دوران طلایی شهر نشینی در مغان می دانیم.

در قرن پنجم هجری با غلبه عنصر ترک زندگی شبانی و صحراگردی جایگزین تمدن شهری شده و از این تاریخ به بعد قبایل و عشایر غالب جمعیت مغان را تشکیل می دادند. از آمار و تعداد این قبایل و خانوارهای آنان گزارش مربوط به

سال ۱۵۸۹ میلادی / ۹۶۸ شمسی است که آمار عشایر شاهسون مغان را ۶۰۰۰۰ خانوار ذکر کرده اند. اما حدود دویست سال بعد یعنی در سال ۱۸۰۰ م. ۱۱۷۹ شمسی این آمار به ۱۰۰۰۰ خانوار تقلیل یافته است. این مسئله جای شگفتی ندارد. جنگ هایی که در این مدت با حضور شاهسون ها و ایلات این منطقه با ترکان عثمانی و روس ها روی داد. منجر به نابودی سازمان شاهسون ها و جمعیت منطقه گردید. به طوری که فقط در جنگ های اواخر دوره صفویه ترکان عثمانی بیش از ده هزار خانوار عشایر منطقه را قتل عام کردند. و بقیه را یا به اسارت بردند و یا به شیروان و قلمرو روسیه فراری دادند. علاوه بر جنگ ها موضوع کوچ دادن دسته جمعی شاهسون ها به غرب و شرق خراسان در دوره صفویان و افشاریان نیز در تقلیل جمعیت مؤثر بوده است. به طوری که در یکی از این برنامه های اجباری نادرشاه دوازده هزار خانوار شاهسون را به غرب کشور کوچ داد.

در طول قرون بعد تغییراتی در ترکیب جمعیت و آمار آن صورت گرفته است. آخرین آماری که از جمعیت شاهسون ها قبل از سرشماری عمومی جمعیت کشور ارائه شده است. مربوط به سال ۱۳۱۵ شمسی است که آمار شاهسون های مغان را ۷۹۶۳ خانوار ذکر کرده اند.

از سال ۱۳۳۵ به بعد سر شماری عمومی نفوس در منطقه نیز انجام شده است. اما چون جمعیت دشت مغان در حوزه شهرستان مشکین شهر شمارش می شد، آمار درست و دقیقی در دست نداریم.

در سال ۱۳۵۵ شمسی جمعیت این منطقه ۳۰۱۸۶ خانوار و ۱۷۴۲۷۲ نفر گزارش شده است. این آمار در سال ۱۳۶۵ شمسی به تعداد ۳۸۵۶۹ خانوار ۲۴۶۱۶۸ نفر

رسیده است. آخرین آمارگیری مربوط به سال ۱۳۷۵ شمسی، جمعیت سه شهرستان دشت مغان را ۳۰۲۵۳۵ نفر گزارش کرده است.^۱

شهرها و آبادی‌های فعلی دشت مغان

واژه دشت مغان امروزه در جغرافیای سیاسی و تقسیمات کشوری با شهرستان‌ها و شهرهای تابعه به کار برده می‌شود. و مثل ایام گذشته به عنوان یک واحد جغرافیایی مستقل و با این نام کاربرد ندارد. در این ناحیه ۳ شهرستان: بیله سوار، گرمی مغان از استان اردبیل واقع شده که دارای پنج شهر، هفده دهستان و ۹۴۲ آبادی می‌باشد.

شهرستان بیله سوار مغان

این شهرستان در ناحیه شمالی استان اردبیل و بخش شرقی مغان در قسمت وسیعی از جلگه حاصلخیز آن واقع شده است. اراضی قلمرو این شهرستان از دو واحد توپوگرافی جلگه و کوهستان تشکیل شده است. وسعت آن ۱۹۴۵ کیلومتر و جمعیت طبق سرشماری ۱۳۷۵ شمسی ۵۹۵۸۴ نفر می‌باشد.^۲

شهرستان بیله سوار دارای دو بخش، دو شهر، چهار دهستان و ۲۵۷ آبادی است. این شهرستان دارای ۱۵۳ باب آموزشگاه، ۱۵۷۳۲ نفر دانش آموز در مقاطع مختلف تحصیلی بوده، نرخ باسوادی ۶۵/۱ درصد و نرخ بیکاری در آن ۱۳/۳ درصد می‌باشد.

شهر بیله سوار

این بخش به عنوان مرکز شهرستان در منتهی‌الیه شرق جلگه مغان و در حاشیه شمالی رود بالهارود و مرز جمهوری آذربایجان واقع شده است.

در وجه تسمیه آن گفته‌اند که امیری پیل سوار نام از امرای آل بویه در قرن چهارم هجری قمری آن را بنا نهاده است. بعضی گزارش‌ها و اطلاعات باستان شناسی قدمت آن

۱. رک: مقدمه‌ای بر شناخت ایلها، چادر نشینان و... ایران، صص ۹۳-۹۲، سرشماری عمومی نفوس مسکن سال ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ ش.

۲. رک: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ شمسی، گزیده‌ای از اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان اردبیل.

شهر را به دوره‌های قبل از اسلام می‌رساند. شهر بیله‌سوار در طول تاریخ کانون حوادث مختلف دشت مغان بوده است. و تا دهه‌های اخیر به عنوان مرکز داد و ستد عشایر منطقه نقش مهمی در حیات اجتماعی مردم عشایری داشته است. طبق آخرین سرشماری جمعیت این شهر ۱۹۱۱۶ نفر می‌باشد.

از نظر بافت شهری، بیشتر منازل در محله قدیمی آن (جانیارلو) متمرکز بوده است. اما در دو دهه اخیر شهر به صورت طولی و عرضی از سمت غرب و شمال گسترش یافته و محلات زیر در ترکیب آن جا گرفته است

محله جانیارلو، محله کلینج‌لو، محله کوچه ک، محله باباش‌کندی.

آثار گمرک مرزی، ساختمان ژاندارمری و آرامگاه شهدای ۱۳۲۰ از مکان‌های قدیمی در بخش شرقی شهر واقع شده‌اند

بازار اصلی شهر در جوار خیابان امام خمینی (ره) با بناهای معماری اواخر دوره قاجار واقع است. اصناف خواربار، میوه‌فروشی‌ها، قصابی‌ها و بنگاه‌های معاملاتی و کافه‌ها در این بازار فعالیت دارند

علاوه بر بازار اصلی، در قسمت‌های مختلف شهر بازارهایی با نام: بازار روسی، بازار زنان، بازارچه مشترک مرکزی و مراکز خدماتی و صنعتی دیده می‌شود. در بازارهای روسی کالاهای وارده از جمهوری آذربایجان، روسیه، اوکراین و دیگر جمهوری‌های شوروی سابق خرید و فروش می‌شود. در بازار زنان صنعت‌های خرازی و بزازی و لوازم بهداشتی فعالیت دارند. واحدهای خدماتی و نیمه صنعتی و فنی در قسمت غرب شهر و دروازه غربی استقرار یافتند. در بازارچه مشترک مرزی که از سال ۱۳۷۴ شمسی فعالیت خود را شروع کرده است، پيله‌وران بومی مغان با حمایت تجار اردبیل، تبریز و تهران مشغول معامله با پيله‌وران جمهوری آذربایجان هستند.

شهر بیله‌سوار پنج مسجد دارد که معروف‌ترین آنها مسجد جامع در محله قدیمی و مسجد جمعه در خیابان طالقانی (ره) است. مسجد جمعه از باشکوه‌ترین بناهای مذهبی دشت مغان در سال ۱۳۶۰ شمسی به همت آقای شفیع‌امام جمعه شهرستان و مساعدت مالی اهالی متدین شهرستان احداث شده است.

هشتاد درصد مردم شهر از طائفه طالش میکائیل‌لو تشکیل شده است که افراد این طائفه بعد از انعقاد عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۳ ه.ق) با جنگ و گریز از قلمرو روسیه مهاجرت کرده و با بنا نهادن دو آبادی، سردارآباد و باباش‌کندی شهر بیله‌سوار را رونق و

توسعه داده‌اند. ۲۰ درصد دیگر ساکنین شهر از مهاجرین طائفه مغانلو، ارشقی، قره‌باغی و اردبیلی تشکیل شده است. مردم شهر بيله‌سوار از زندگی مرفه‌ی برخوردار هستند و اکثریت آنان یا صاحب مزارع آبی و دیمی بوده و یا در شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان مشغول کار هستند. اکثر خانواده‌ها دارای حیاط و باغچه و منازل ویلایی هستند.

شهر جعفرآباد

جعفرآباد قبل از دهه ۱۳۲۰ قشلاق طائفه جلودارلو بوده‌است. در سال ۱۳۲۸ با استقرار تأسیسات اداری شرکت شیار آذربایجان که متصدی عمران دشت مغان بود به صورت آبادی مهم در منطقه در می‌آید. و به «شاه‌آباد» معروف می‌گردد در ششم‌بهمن ۱۳۵۷ و در جریان راهپیمایی اعتراض‌آمیز عشایر حومه شاه‌آباد، بین تظاهر کنندگان و ژاندارمری درگیری رخ می‌دهد و «خان‌باباجعفرخانی» از طائفه جلودارلو به شهادت می‌رسد. از آن تاریخ این قصبه به جعفرآباد شناخته مس شود. در دهه‌های اخیر به علت حاصلخیز بودن اراضی دیمی و فعال بودن کشاورزی، احداث تنها سیلوی گندم دشت مغان در آن، و استقرار شرکت کشت و صنعت پارس و احداث واحدهای صنعتی دیگر شهر توسعه یافته و در سال ۱۳۷۰ تبدیل به مرکز بخش و در سال ۱۳۷۲ شمسی تبدیل به شهر شده است. جمعیت این شهر حدود ۵۰۰۰ نفر بوده و از طوایف جلودارلو، ساربانلار، بیگ‌باغلو، مغانلو، طالش‌میکائیل‌لو و مهاجرین مشکینی، گرمی و ارشق ترکیب یافته است.

شهرستان گرمی مغان

این شهرستان در ناحیه شمال اردبیل و قسمت جنوبی مغان با جمعیت ۱۰۴۰۶۴ نفر و وسعت ۱۷۲۴ کیلومتر مربع واقع شده است. بیشتر قلمرو آن در میان رشته کوه‌های کم ارتفاع جنوب مغان قرار دارد. غرب و شمال و جنوب آن را ارتفاعات خروس‌لو، صلوات فراگرفته است. و قسمت‌های شرقی نیز به کوه‌های طالش محدود می‌گردد. آب و هوای این شهرستان در تابستان گرم و در زمستان‌ها ملایم و معتدل است. شهرستان گرمی دارای یک شهر، دو بخش و هفت دهستان و ۳۵۲ آبادی است. در این ناحیه از مغان آثاری از حیات بشری در دوره‌های باستانی در جاهای مختلف آن

مشاهده می‌گردد. یافته‌های باستان‌شناسی نیز مؤید این ادعاست. در قرون اخیر نیز که بیشتر نواحی جلگه‌ای مغان مراتع و چراگاه‌های عشایر بوده، آبادی‌های بزرگی در این منطقه محل زندگی روستاییان و مراکز دادوستد عشایر وجود داشته‌است. شهرستان گرمی دارای ۳۱۴ باب آموزشگاه و تعداد ۲۹۰۶۵ نفر دانش‌آموز در مقاطع مختلف تحصیلی می‌باشد. نرخ باسوادی ۶۲/۹ درصد و نرخ بیکاری ۷/۲ درصد گزارش شده است.

شهر گرمی

گرمی تنها شهر این شهرستان در جنوب مغان و منطقه کوهستانی آن با جمعیت ۲۸۱۶۶ نفر در محال معروف به اوجارود و در واقع در طالش مغان و در مسیر جاده اصلی اردبیل-بیله‌سوار واقع شده است. نام گرمی از واژه گرامه گرفته شده است. گرامه از تقسیمات جامعه قبایل آریایی در دوره پیش از اوستا بوده و از ترکیب چند واحد عشیره‌ای که دارای چراگاه مشترک بوده‌اند، تشکیل می‌گردید. رئیس این واحد اجتماعی زاگرامنی می‌گفتند.^۱ باملاحظه زندگی تمدن‌های باستانی در این شهر و مناطق نزدیک آن احتمال قریب به یقین این است که گرمی از این واژه آریایی گرفته شده است. البته تصور دیگر نیز هست که «گرامی‌یان» از طوایف ترکمن که در قرن هفتم هجری به همراه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به آسیای صغیر رفته و در سال ۸۰۴ ه.ق در جنگ معروف آنکارا به همراه فرمانده خود به امیر تیمور پیوسته‌اند.^۲ بافت شهر: گرمی در منطقه کوهستانی و محصور در میان ارتفاعات «ایرناواش» و «آزنا» واقع شده است.

دورودخانه «موجارا» و «جهن» از شرق و غرب آن جاری شده و در زیر تپه باستانی (قلعه‌باشی) به هم پیوسته و رودخانه گرمی چایی را تشکیل می‌دهند. منازل مسکونی از حاشیه دره‌ها آغاز و به صورت پله‌ای شکل در دامنه شیب‌دار به طرف بالا امتداد می‌یابند. مناظر آن مثل شهر رودبار گیلان است. قبل از نیم قرن اخیر منازل مسکونی فقط در محله قدیمی «قلعه‌باشی» متمرکز بود. اما در دهه‌های اخیر شهر به طرف دامنه کوه‌ها و در ساحل رود گرمی چایی توسعه یافته و مسجد جامع سرچشمه، عباسیه،

۱. ایران در عهد باستان، ص ۶۱.

۲. تاریخ عثمانی، ج ۱، صص ۷۳-۶۹.

یوخاری باش، الله دره سی، شریعتی، اسلام آباد، کوتول، هلال احمر به آن افزوده شده است.

بازار اصلی شهر در مجاورت خیابان مرکزی که در جهت جنوب-شمال کشیده شده است، واقع است. غیر از این مرکز داد و ستد در محلات نیز بازارچه ها و مغازه هایی احداث شده است. اکثر فعالیت های اصناف شهر جنبه خدماتی و تأمین ارزاق عشایر و روستاها داشته است. و در دهه های اخیر به علت واقع شدن مرکزیت سیاسی و اداری مغان در این شهر بازار از رونق فعالیت های تجار و اصناف افزوده است.

مسجد جامع در مرکز شهر و کنار خیابان اصلی واقع است که نماز جمعه نیز در آن مکان اقامه می شود. شهر گرمی دارای منازل ویلایی و نمای جالبی داشته و از شهرهای دیدنی منطقه است.

آب شهر قبلاً از رودخانه های جاری از وسط شهر و چشمه هایی چون «زرنه»، «آخوندبولاغی»، «حسنعلی بولاغی»، «ملاحسن بولاغی» و... تأمین می شد. با افزایش جمعیت و توسعه شهر و نیز بروز خشکسالی های ممتد این چشمه ها خشک شده و مردم از لحاظ تأمین آب آشامیدنی شدیداً در مضیقه می باشند.

شهرستان گرمی دارای هفت دهستان به نام های اجارود شرقی، اجارود غربی، اجارود مرکزی، اینی، انگوت شرقی، انگوت غربی و برزند می باشد. اخیراً انگوت شرقی به مرکزیت تازه کند قدیم تبدیل به مرکز بخش و شهر شده است.

شهرستان پارس آباد مغان

شهرستان پارس آباد در قسمت شمالی استان اردبیل و شمال شرق دشت مغان در ناحیه پست و جلگه ای و در ساحل جنوبی رود ارس قرار دارد. این شهرستان با جمعیت ۱۳۸۸۸۷ نفر و وسعت ۱۵۵۶/۷ کیلومتر مربع دارای دو بخش مرکزی و بخش اصلاندوز، پنج دهستان به نام های «ساوالان»، «قشلاق شمالی»، «تازه کند»، «اصلاندوز» و «گرمادوز» و ۳۳۳ آبادی و روستا می باشد.

از شمال به رود ارس، از شرق به جمهوری آذربایجان، از جنوب به حوزه بيله سوار و از غرب به شهرستان کلیبر محدود می شود.

شهرستان پارس آباد مغان با داشتن ۲۱۸ آموزشگاه، تعداد ۴۲۶۳۷ نفر دانش آموز با نرخ باسوادی ۶۵/۲ درصد و نرخ بیکاری ۶/۸ درصد از شهرستان های توسعه یافته

دشت مغان محسوب می‌گردد.

مراکز آموزشی و تحقیقی شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، و مجتمع آموزشی کشاورزی دانشگاه اردبیل از مراکز علمی این شهرستان هستند.

قسمت اعظم اراضی این شهرستان در قسمت جلگه‌ای مغان واقع شده است و فقط در جنوب غربی آن عارضه‌های طبیعی به صورت تپه ماهور مشاهده می‌گردد. دارای آب و هوای معتدل گرم می‌باشد.

تا دهه ۱۳۳۰ اغلب قلمرو این شهرستان مراتع قشلاقی شاهسون بود. و شهرها و روستاهای آن بعد از این دهه شکل گرفته‌اند و فقط در حاشیه رود ارس از قرن‌ها قبل آبادی‌هایی مثل اولتان، اصلاندوز، محمدرضالو، حسن‌خان‌لو، و چند آبادی کوچک بوده‌است.

شهر پارس آباد مغان

این شهر در سال ۱۳۳۳ توسط مهندس ابراهیم پارسا و با انتقال ساختمان‌های اداری و خدماتی شرکت عمران مغان از قصبات علیرضاآباد و شاه‌آباد تأسیس گردید. و به همین جهت آن را پارساآباد یعنی شهری که مهندس پارسا بنا نهاد، نام‌گذاری کردند. منازل مسکونی کارکنان این شرکت و فروشندگانی که به‌تازگی وارد این آبادی جدیدالتأسیس شده بودند، در حاشیه خیابان اصلی متمرکز شده بود اما به دنبال برنامه عمران دشت مغان و ایجاد شبکه آبیاری و توسعه و رونق اقتصادی منطقه از نقاط مختلف دشت مغان، اردبیل، مشکین، سراب و ارسبارن کارگران مهاجر وارد این آبادی شده و آن را توسعه دادند.

امروزه شهر از سمت شرقی و غرب و جنوبی گسترش کم نظیری پیدا کرده‌است. و محلاتی چون «محلۀ قدیمی»، «شهید چمران»، «کشتارگاه»، «بازارچه»، «فرودگاه قدیم»، «جهاد»، «۳۵هکتاری»، «بالاییگلو»، «جعفرقلی‌خانلو»، «محمدرضالو»، «نهر تراب و...» ترکیب آن را تشکیل می‌دهند.

جمعیت این شهر از مهاجرین ارسبارن، ارسق، انگوت، گرمی، و از طوایف عرب‌لو، جعفرلو، مغانلو، قوجاییگلو، گیک‌لو، پیرایوانلو، هومونلو، بیگدیلی، آیوانلو و کورعباس‌لو و... تشکیل شده‌است.

شغل بیشتر ساکنین شهر کارگری و کارمندی در شرکت‌های دولتی و مراکزاداری و خدماتی و مزارع کشاورزی می‌باشد. درصد کمی نیز دارای زمین‌های زراعی آبی هستند. بازار اصلی شهر در حاشیه خیابان اصلی امام‌خمینی (ره) واقع است، علاوه بر آن بازارچه‌های فجر، لاله، آزادی و شهید تیمورپور و چند پاساژ بزرگ از مراکز داد و ستد اهالی و روستاییان و عشایر بشمار می‌رود. بازار روسی که در آن کالاهای وارداتی از جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان، اوکراین و روسیه و... خرید و فروش می‌گردد، یک مرکز تجاری مستقل است. مطب پزشکان و داروخانه‌ها در خیابان شهیدمفتح متمرکز شده‌اند.

شهر پارس‌آباد دارای ۲۰ مسجد محله‌ای می‌باشد و مسجد جامع که نماز جمعه در آن اقامه می‌گردد در وسط شهر قرار دارد. حوزه علمیه دینی و کتابخانه و دارالقرآن از مراکز فرهنگی و دینی مهم شهر بشمار می‌روند.

آب شهر پارس‌آباد از شبکه آبیاری مغان تأمین می‌گردد. و مجهز به سیستم و شبکه فاضلاب شهری است و تنها شهر استان اردبیل است که از این سیستم برخوردار است. این شهر دارای سه دروازه غربی و شرقی و جنوبی است و از شمال محدود به ساحل رودخانه ارس است. که از مراکز سیاحتی و تفریحی طبیعی منطقه بشمار می‌رود. سینما، پارک تفریحی، پارک‌کودک، میدین ورزشی فوتبال و سالن‌های ورزشی از مراکز تفریحی جوانان به شمار می‌روند.

رشد و توسعه شهر پارس‌آباد که بزرگترین کانون جمعیت شهری مغان محسوب می‌گردد در آذربایجان و اردبیل بی‌نظیر بوده‌است. به طوری که جمعیت آن در سال ۱۳۳۵ شمسی ۴۵۵ نفر بوده است و پس از چهل سال یعنی در سال ۱۳۷۵ شمسی به تعداد بیش از ۶۰ هزار نفر رسیده‌است.

در استان اردبیل پس از شهر اردبیل مرکز استان پرجمعیت‌ترین و وسیع‌ترین شهر پارس‌آباد مغان می‌باشد.